

دل نخواهی

(مجموعه شعر)

محمد حسین اذعی نژاد



۱۳۹۶

سرشناسه: انصاری نژاد، محمدحسین، ۱۳۵۵-

عنوان و پدیدآور: دل نخواهی (مجموعه شعر)/ محمدحسین انصاری نژاد؛ ویرایش مرضیه مرادی.

مشخصات نشر: شیراز، رخسید، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰۰ ریال 9 - 51 - 5723 - 600 - 978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ د ۸ ۶۳ ن / ۸۳۳۴ PIR

رده‌بندی دیوبی: ۱/۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۰۴۸۵



● دل نخواهی ● مجموعه شعر ● محمدحسین انصاری نژاد

○ ویرایش: مرضیه مرادی ○ صفحه‌آرایی: علی جعفری ○ طرح جلد: حمید عباسی
○ چاپ اول، ۱۳۹۶ ○ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ○ قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

نشانی: شیراز، خیابان نیایش، کوچه ۱۱.

رایانامه: mojtaba.jafari55@yahoo.com

ISBN: 978 - 600 - 5723 - 51 - 9

شابک: ۹ - ۵۱ - ۵۷۲۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فهرست

۹	مقدمه
۱۷	غزل‌ها
۱۹	شب یلدا
۲۱	چینی تنهایی
۲۳	منادی
۲۵	دریا
۲۷	خاک سیا ووشان
۲۹	با دست خالی
۳۱	هفت سین شما

۳۳	کوچه‌ی انگورها
۳۵	یمن
۳۷	ماه رجب
۳۹	ایوان نجف
۴۱	بین آتش
۴۳	با، ان
۴۵	تاریک
۴۷	مروب شیراز
۴۹	باغ پس
۵۱	ایلیاتی ۱
۵۳	ایلیاتی ۲
۵۵	ایلیاتی ۳
۵۷	ایلیاتی ۴
۵۹	ایلیاتی ۵
۶۱	فرش دست‌باف
۶۳	رستاخیز
۶۵	شکارچی
۶۷	از جاده‌ی شیراز
۶۹	غزل دل‌نخواهی
۷۱	مسافر
۷۳	برفی
۷۵	زادگاه ۱
۷۷	زادگاه ۲
۷۹	دشت ترک‌خورده!
۸۱	دارکوب
۸۳	یک شب در حافظیه
۸۵	ساحلی ۱

۸۷	ساحلی ۲
۸۹	ساحلی ۳
۹۱	ساحلی ۴
۹۳	فلاخن
۹۵	شب کوچه
۹۷	نواپسی‌های عابس
۹۹	ع سحرخیزان
۱۰۱	فوج ابادل
۱۰۳	کدخ ایان
۱۰۶	از حوالی جله
۱۰۸	صبح کارون
۱۱۰	زنگ حساب
۱۱۲	غزل یوسف و چاه
۱۱۴	آخرین شب اسفند
۱۱۷	خانه‌ی قدیمی
۱۱۹	چارپاره
۱۲۱	چارپاره‌ی ایللیاتی
۱۲۵	نوسروده‌ها
۱۲۷	یک دوربرگردان تا دریا!
۱۲۹	"قطعه‌ی ۳۱۷"
۱۳۸	شبی با شاهنامه ۱
۱۴۱	ترانه‌ها
۱۴۳	ترانه‌ی شهید مدافع حرم
۱۴۵	ترانه‌ی ایللیاتی

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
حافظ شیرازی

مقدمه

درخت کهنسال شعر فارسی، شاخه شاخه برشمار از شکوفه‌ها، میوه‌ها و برگ‌های رنگ‌رنگ شور و تغزل است. کتابی که در این دیرپاب جاودانگی گردن افراخته است. باغستانی شعرانگیز و پرکستانی مضمون خیز که هیچ چشم ناپاکی را زهره‌ی نگریستن در چشمه‌سار آن نیست و هیچ پرنده‌ی بال شکسته‌ای را جرأت پرگشودن در حرال آن نیست و فلک‌کردار آن نه.

در قلمرو بی‌کران این ادب شگفت، هزاران شاعر و ادیب گران قدر ظهور کرده‌اند که هریک در ساحت و شاخه‌ای، نقشی یگانه بر این صفحه‌ی زرنگار نگاشته است. از مهم‌ترین شاخه‌های شعر فارسی، جریان شاعرانی است که آبشخور اندیشه‌ی شاعرانه‌شان، عرفان، فقه،

کلام و دیگر علوم اسلامی بوده است. این جریان که ریشه در تعالیم عارفان و حکیمان بزرگ سده‌های نخستین دارد، از دوران صفویه و با تقویت مراکز علمی شیعی، ظهوری شگرف در ادب فارسی داشته است و شاخه‌ای از شعر شیعی را تقویت کرده است که می‌توان از آن با عنوان «شعر حوزوی» یاد کرد.

دانشمندان شاعر حوزه‌های علوم دینی، هر چند در سده‌های اخیر، شعر را کمتر برای معرفی و گسترش آموزه‌های شیعی و معرفتی دانسته‌اند. در همین آثار متعدد و مقید به شرع نیز، جهانی شاعرانه را به مخاطبان نه‌همان عرضه کرده‌اند. از علامه‌ی دوانی، شیخ بهایی، ملای صدرا گرفته تا ایضاً کاشانی و اشعار باشکوه‌ش، از ملا احمد نراقی، میرزا هادی سبزه‌اری، میرزا حبیب خراسانی تا نیر تبریزی، میرزا یحیی مدرس اصفهانی، آیت‌الله‌ی غروری اصفهانی (مفتقر) و از علامه‌ی مازندرانی و شمس استهباناتی، تا علامه‌ی طباطبائی، امام خمینی^(ع)، آیت‌الله‌ی العظمی خامنه‌ای و آیت‌الله‌ی خراسانی، آملی تنها تعدادی از شاعرانی هستند که در سده‌های اخیر و در قالب شعر حوزوی ظهور کرده‌اند.

در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب، جریان شعر حوزوی به رشدی متمایز با شعر سنت گذشته‌ی خود روبه‌رو بوده که نتیجه‌ی آن، علاوه بر تعدد شاعران و تقویت جنبه‌های ادبی و مضمون‌پردازانه در اشعار، نمود یافتن شیوه‌ها و شاخه‌های شعری گاه متمایز در میان شاعران حوزوی و مضمون‌آفرینی عزیزانی چون: جواد محدثی، علی اکبر رشاد، زکریا اخلاقی و بسیاری از عالمان دینی جوان بوده است.

حاصل این رشد چشمگیر، برگزاری جشنواره‌ها و انتشار دفترهای شعری متعدد از شاعران حوزوی در سال‌های اخیر بوده است و جای شگفت و خرسندی است که بیش از ده مجموعه‌ی ارزشمند از ادب حوزه، به قلم شاعری توانمند سروده و منتشر شده که این سطرها در آغاز دفتر «دل نخواهی» ایشان نوشته شده است.

شاعر این صفحه‌های دلپذیر و روح‌نواز محمدحسین انصاری نژاد، دوست عزیز و برادر آشنایی است که پیش از این، حقیر توفیق داشته است، دفترهای یک باغ زخم‌تر، روی شانه‌ی اروند، و زلیخاست که بر پیرهنم می‌خندد، قاری آسمانی‌تر، پرندگان پراکنده‌اند انسان‌ها، از پشت سایه‌ها، باغ سرخ‌رنگ، درهای ساحلی، چشمه چنا و... را از ایشان مطالعه کند. شاعری فاجه‌پرک، دغ‌غمند و مهربان که دلی به بی‌کرانگی خلیج دارد و نفس‌هایی به روزندگی آفتاب تابستان بوشهر و همین است سزاوار شاعران مرد و عاشقان اهل درد.

دفتر دل نخواهی که حقیر توفیق مصاحبه‌ی آن را بیش و بیش از دیگران داشته، شامل ده‌ها غزل و اشعاری دیگر در قالب‌های چهارپاره، سپید، نیمایی و حتی گونه‌ی ترانه است که همین نکته‌ی گره‌ریازی و چشمان شعرپسندان، با شاعری است که ساحل اندیشه‌اش به غرور و صدف‌های یک‌شکل و یک‌گونه نیست و جدا از مروارید مصدّمین و مفاهیم، به زیورهای ظاهری و لفظی کلام نیز توجهی ویژه داشته است. بر گلزار این دفتر، سایه‌ی درخت ذهن و روح شاعری سایه افکنده که خواست‌ها و خواستگاه‌های افکار و اشعارش متکثر و رنگارنگ است. در این دفتر، اخوانیه به شادباش مرثیه آمده است و عشق و عرفان و

قلندری، به پاپوس حضرات معصوم (علیهم‌السلام). از روزه‌ی لب و جان در آن سخن است و از روزگار و فتنه‌هایش نیز در آن نشان، و این ویژگی از دیگر تمایزهای هنر شاعری جناب محمدحسین انصاری نژاد در مقایسه با دیگر شاعران پرتکرار و تکراری زمان ماست.

موسیقی اشعار چه در وزن و چه در دیگر ساحت‌ها متنوع و گوش‌نواز است، از وزن‌های جویباری تا وزن‌های دولختی، از وزن‌های کم‌هجا تا وزن‌های بی‌هجا، همه در دریای این دفتر موج می‌زنند. در دفتر دل‌نخواهی، گاه، وزن به گونه‌ای انتخاب می‌شود که گویی زاده‌ی لحظات شعر است و نه عاریتی که از بیرون بر اندام واژه‌ها دوخته شده، چونان وزن دریا به سواحل صخره‌های ذهن مخاطب را با موج خیز طنینش می‌آشوبد:

ساحل را می‌گردم، ساحل را می‌گردم

چون ابری سرگردان، بر دریا می‌گردم

فانوسی در دستش انسان را می‌جویم

آن‌سو بر ساحل با مولانا می‌گردم

... هو هو هو، حق حق حق، می‌خواند زندیقی

شولایی بر دوشم بی‌پروا می‌گردم

از دیگر عوامل سرزندگی و زیبایی بسیاری از اشعار این دفتر، عمق اندیشگانی و پشتوانه‌ی مفهومی اشعار است. شعرهای انصاری نژاد حاصل جهانی آفاقی - انفسی است که مشاهدات بیرونی و درونی، وسعتی ویژه و متعلق به خود شاعر، به آن بخشیده است. تجربه‌هایی آفاقی که گاه به سادگی کاشی کاری خانه‌ای در خاطرات شاعرند:

این همان خانه‌ی قدیمی ماست، آدم خسته پشت دیوارش
 چه کج افتاده روی کاشی‌ها شب پیرمرد گج کارش
 و گاه برآمده از نگاهی نیماگون به طبیعت و جهان زندگی شاعر؛
 چنان که در شعر دارکوب دیده می‌شود:
 «دربوب بی‌تابی، لای بید مجنونی ست
 باغ را می‌آشوبد، در سرش چه افسونی ست؟
 های و هس کنه‌شان، جور دیگرست اینجا
 سارها سرا به شب شب دگرگونی ست
 یا با نگاهی سبزه به سروهای اخوان در شعر زیبای کپ‌پو:
 کُپ‌پو! کُپ‌پو! بگر کدام رسد است
 او که در این شامگاه زمزه دار
 او که نشسته است روی شاخی "رُکُک"
 از پس پرچین خطاب با همه دارد

البته نگاه شاعر، تنها نگاهی سطحی به ظاهر طبیعت نیست؛ زیرا در
 پس تصاویر رنگارنگ، نمادها در شعر نقشی ویژه بازی می‌کنند. در جایی
 دیگر، همین شاعر به زیبایی از دریا و باران می‌گوید و گاه، به «گوشی»
 ردای پرهیز از دوش می‌نهد و با نجابتی شاعرانه، عشق را در جهان
 شاعری‌اش منعکس می‌کند؛ از شاهدخت قجری می‌گوید و از باغ نظر:

به کوه، شیهه‌ی اسب کهر کشید مرا
 دو چشم ترکمنی بیشتر کشید مرا
 کدام لولی شیراز، شوخ و شیرین کار
 قلم به دست، به "باغ نظر" کشید مرا

ویژگی هنری اشعار در این است که مفاهیم در تصاویری شاعرانه رخ نشان می‌دهند و برخلاف دفترهای نخستین شاعر، حتی در اجتماعی‌ترین اشعار چون: دل نخواهی، کدخدایان و شعر زیر در ستایش شهید آوینی هم نشانه‌هایی عمیق از لایه‌مندی و تخیل دیده می‌شود:

کدامین صبح، گلچین رد شد از باغ سحرخیزان
 که ... از آن فرو مُردند پی در پی شباويزان
 ... در اصفاف فرودست و حقیرند استعاراتم
 دلم سبب است از تمثيل ققنوسان و شبديزان
 ... ببین این روزهای سدا حال هم‌قطاران را
 پیرس آیا بر آن سجاده‌ها تنند شب‌خیزان
 ببین هم‌سنگرانت بی صدا در ... ویش می‌میرند
 از آن‌ها یند جمعی هم صدای ناله‌انگیزان

جان‌مایه‌ی این اشعار، علاوه بر بهائی‌های آفاقی، حرکتی است که به درون شاعر و در جهت سیر انفسی صورت گرفته است. این سیر ذهنی گاه برآمده از جلوه‌های روحی و شهریاری شخصیت شاعر و تعلقات مذهبی اوست و گاه، به دلیل جهانی اسطوره‌ای تلقی می‌شود که محمدحسین انصاری نژاد از دریچه‌ی مطالعه‌ی گسترده‌ی اشعار و آثار بزرگان ادب فارسی چون: رودکی، فردوسی، نظامی، خاقانی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، بیدل و بسیاری دیگر از گذشتگان و معاصران کسب کرده و در کارگاه شاعرانگی‌اش از تار و پود آن‌ها، به طرحی جدید دست یافته است.